

تبیین رویکرد توحید محور برای آموزش صیانت از منابع طبیعی

منصور شاه ولی ۱ علی اصغر قاسمی ۲

- ۱- استاد بخش آموزش و ترویج دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
- ۲- دانشجوی دکتری آموزش دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

چکیده

با توجه به اهمیت آموزش صیانت از منابع طبیعی در بین آحاد مختلف جامعه، این مقاله به بررسی پارادایم‌های غالب علوم اجتماعی یعنی (پارادایم‌های اثبات‌گرا، پسا اثبات‌گرا، انتقادگرا و ساخت‌گرا) در امر آموزش می‌پردازد که به دلیل جامع نبودن آنها در امر آموزش صیانت از این منابع، پارادایم‌گزیداری منطبق با فطرت انسان و احکام الهی یعنی پارادایم "توحید محور" را ارائه می‌نماید. هدف کلی این مقاله شناسایی جایگاه توصیه‌های فنی، فلسفی و دینی در آموزش صیانت از منابع طبیعی می‌باشد. این مطالعه از نوع اسنادی و کتابخانه‌ای و شامل موضوعات و محورهای مختلف اعم از معنا و مفهوم منابع طبیعی، صیانت از این منابع از دیدگاه اسلام، قرآن، پیامبر اکرم (ص)، ائمه معصومین، قانون اساسی، رویکرد‌های فعلی و آتی صیانت از منابع طبیعی، ارکان و مولفه‌های آموزش صیانت از منابع طبیعی، اجزاء پارادایم‌های مختلف بویژه پارادایم توحید محور در امر آموزش صیانت از منابع طبیعی می‌باشد. مطالب و نتایج این مقاله می‌تواند مورد استفاده مسئولان و برنامه‌ریزان امر آموزش منابع طبیعی و محیط زیست، جهت رفع نیازهای آموزشی و ترسیم روند آینده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: منابع طبیعی، آموزش صیانت از منابع طبیعی، رویکرد توحید محور

مقدمه

منابع طبیعی هر جامعه، ثروت آن جامعه است که فقط به نسل حاضر تعلق نداشته بلکه میراثی است که باید برای آیندگان باقی بماند. اگر بخواهیم در آینده جامعه بهتری داشته باشیم باید در جهت صیانت از این منابع بیش از پیش بکوشیم. در غیر اینصورت جهان آینده، جهان توام با فقر و گرسنگی و محیطی آلوده و غیر قابل زندگی خواهد بود. در پارادایم قدیم توسعه این منابع بطور بی رویه برای تولید بیشتر بکار گرفته می شد و در جهت صیانت و حفاظت از آنها تلاش های زیادی صورت نمی گرفت. ولیکن در پارادایم نوین توسعه (بعد نشست جهانی زمین، ۱۹۹۲) وقوع مسائلی چون از بین رفتن لایه اوزون، گرم شدن تدریجی هوای کره زمین، افزایش گاز کربنیک، آلودگی هوا، مسائل ناشی از بیابانزایی و تخریب سرزمین، تغییر اقلیم، بحران آب، امنیت اکولوژیکی، بحث توسعه پایدار، مشارکت تعاملی، دانش بومی، توسعه نهادهای محلی و ... اهمیت منابع طبیعی را دو چندان و وظیفه انسان را جهت صیانت و حفاظت از این منابع سنگین تر نموده است. فعالیت های انجام شده جهت صیانت از این منابع در دهه های گذشته، اغلب نقش عامل انسانی را نادیده گرفته اند و از توانمندیها و پتانسیل های فراوان جوامع محلی و بومی در امر حفظ و صیانت منابع طبیعی به نحو شایسته استفاده نکرده اند و عمدتاً دارای دیدگاهها، توصیه ها و نگرش های فنی بوده اند (حسینی، ۱۳۸۰). اما محققان بر این باورند که اتکاء صرف به توصیه های فنی و فناوری ها، چاره ساز نیست بلکه نیازمند رویکردی نوین برای تغییر فکر و رفتار انسان نسبت به صیانت از منابع طبیعی تجدید شونده است. زیرا با تغییر این دو است که مسؤولیت او نسبت به حفظ و صیانت از این منابع تغییر خواهد کرد. به همین دلیل رویکرد توحید محور به منظور آموزش آحاد مختلف جامعه در زمینه صیانت از منابع طبیعی توصیه می شود (شاه ولی و شاه مراد، ۱۳۹۰)

معنا و مفهوم طبیعت و منابع طبیعی

منابع طبیعی عبارت است از کلیه: آبها، اقیانوس ها، دریاها، دریاچه ها، معادن، کوهها، جنگل ها، مراتع و نزارها که بصورت طبیعی ایجاد شده و انسان در بوجود آمدن این منابع هیچگونه دخالتی نداشته است (ملکان راد، ۱۳۷۹). عنایت به آیه یکم سوره انفال تعریف منابع طبیعی را برای ما روشن می سازد. «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَأَتَقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿۱﴾» ای پیامبر از تو در مورد انفال می پرسند بگو انفال (کوه ها، معادن، جنگل ها، مراتع، رودخانه ها و دریاها و ...) از آن خدا و رسول خدا می باشد (حسینی، ۱۳۸۵). پس از مخالفت، فرمان خدا بپرهیزد و میان برادرانی که با هم ستیزه دارند آشتی دهید و اطاعت خدا و پیامبرش را بنمائید اگر ایمان دارید (سوره انفال، آیه ۱).

در یک تقسیم بندی، منظور از طبیعت بطور عام و منابع طبیعی بطور خاص، در پارادایم های مختلف اثبات گرایی، پسا اثبات گرایی، انتقادی، ساخت گرایی و توحید محور به شرح زیر می باشد:

اثبات گرا: طبیعت و منابع طبیعی تداعی کننده محیط یا فضای تهی از انسان است که صرفاً جنبه مادی و عینی دارد.

پسا اثبات گرا: طبیعت و منابع طبیعی تداعی کننده اجزای تشکیل دهنده محیط پیرامون انسان است. بنحوی که تفکیک انسان از منابع طبیعی، زیبایی و قدرت آن را تقلیل می دهد. لذا این منابع بیشتر به عنوان مفهومی عینی تعریف می شود تا ذهنی و منابع طبیعی و انسان مجزا پنداشته می شوند.

انتقاد گرا: طبیعت و منابع طبیعی دربرگیرنده مجموعه ای از بینش ها و بصیرت های ساختاری/تاریخی است که با گذر زمان دگرگون می شوند. از منظر انتقاد گرایان، طبیعت در برگیرنده انسان، محیط و کنش های بین آنهاست.

ساخت گرا: اشارت گر اوضاع زندگی و تمام اشیاء نباتی و جمادی است. طبیعت تهی از آدمی پنداشته نمی شود زیرا نمی توان از طبیعت سخن راند و از طبیعت انسان سخن نگفت.

توحید محور: طبیعت و منابع طبیعی از ورای عینیت آن و قائل شدن معنویت در تعریف آن است. در شعور توحید محور، انسان ها با هم برابر و در صلح و دوستی با یکدیگر و با طبیعت و منابع طبیعی می باشند (ابدی، ۱۳۹۲).



صیانت از منابع طبیعی در قانون اساسی کشور ایران

در جمهوری اسلامی ایران و بنا به اصول ۴۵ و ۵۰ قانون اساسی به مساله صیانت و حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست اهمیت و اشاره شده است. وظیفه صیانت از اراضی ملی و منابع طبیعی به عنوان انفال مطابق قانون بر عهده سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری کشور است که این وظیفه حاکمیتی را به قائم مقامی از سوی رهبری و ولایت فقیه انجام می دهد که در صورت تحقق هر قسم تخلف و تعدی در اراضی ملی، با متخلف برابر قانون رفتار می شود (دفتر طرح و برنامه سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری کشور، ۱۳۹۰).

اصل ۴۵ - انفال و ثروتهای عمومی از قبیل زمینهای موات یا رهاشده، معادن، دریاها، دریاچهها، رودخانهها و سایر آبهای عمومی، کوهها، درهها، جنگلها، نزارها، بیشههای طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث و اموال مجهول المالك و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می شود، در اختیار حکومت اسلامی است تا برطبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید، تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می کند (همان منبع).

اصل ۵۰ - در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسلهای بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می گردد. از این رو فعالیتهای اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است (همان منبع).

صیانت از منابع طبیعی از دیدگاه اسلام

بشر همواره از معنویت و فرهنگ دینی تأثیر پذیر بوده و زندگی خود را بر اساس آن استوار نموده و کوشش کرده است تا جایی که برای او امکان دارد اصول زندگی را بر اساس آن قرار داده و ملاک های خود را از این طریق به دست آورد. نگرش او به منابع طبیعی به عنوان یکی از مسائل حیاتی، تا میزان زیادی نتیجه تأثیرپذیری انسان از فرهنگ های آسمانی است. از این رو آگاهی یافتن از دیدگاه های این ادیان به معنای ریشه یابی این اقدامات حمایتی است. صیانت از منابع طبیعی به معنای عدم بهره برداری یا حتی کمتر استفاده کردن از منابع طبیعی نیست، بلکه استفاده بهینه و عاقلانه از این منابع است که همواره مورد تأکید کارشناسان بوده است. اسلام به عنوان دینی وراثی و زمان و مکان می تواند نیازهای بشر را در همه اعصار پاسخ دهد، حاوی مفاهیم، تعالیم و راهکارهای کاملی در خصوص چگونگی صیانت از منابع طبیعی می باشد. تحقیقات دانشمندان علوم دینی در جهان نشان می دهد که تمامی ادیان الهی به حفاظت از منابع طبیعی توجه داشته اند، اما دین اسلام دستورات مشخص و مؤکدی در این راستا دارد. بررسی متون و مستندات مختلف دین اسلام، نشانگر وجود دیدگاه های مشخصی در راستای صیانت از منابع طبیعی است (اسراری و آرام، ۱۳۸۷). در دین اسلام صیانت از منابع طبیعی که حیات نسل امروز و نسل های بعدی به آن وابسته است یک وظیفه دینی تلقی می شود. خداوند، طبیعت را هدفمند و هدفدار خلق و تمام مخلوقات را به لحاظ کمیت و کیفیت به اندازه و متناسب آفریده است. مؤید این جمله را گفتار خداوند در قرآن کریم است که می فرماید: «ما هر چه آفریدیم به اندازه آفریدیم». یا در جای دیگر می فرماید که «زمین را هم بگسترديم و در آن کوه های عظیم برنهاديم و از آن هر گیاه و نیک، متناسب و موافق حکمت و عنایت برویاندیم.» جهان هستی از نظم دقیقی برخوردار و تمامی مخلوقات در تعادل و تناسب و به اندازه آفریده شده اند و هر یک از اجزا و عناصر خلق شده در بقای این کره خاکی و در نتیجه در ادامه زندگی انسان نقش دارد. بنابراین هر تغییر نابجا و زیان رساندن به هر یک از اجزای این سیستم عظیم، سبب به خطر افتادن حیات هستی می شود. دین مبین اسلام مملو از توصیه های حفاظت از آنچه که خدا خلق کرده است می باشد (همان منبع).

اسلام بین انسان و طبیعت، جدایی قائل نیست و آنها را مکمل یکدیگر می داند، از این رو دین اسلام کامل ترین سفارشات و توصیه ها را برای صیانت از طبیعت دارد و تمامی جنبه های انسانی را در ارتباطی هماهنگ و موزون با مسیر الهی، در قرآن کریم به تصویر کشیده است که می تواند به عنوان منبعی جامع و کامل جهت آموزش و فرهنگ سازی مورد استفاده آموزشگران قرار گیرد. اسلام نشان دهنده طریقی برای زندگی است که دیدگاه جامعی نسبت به هستی، حیات انسان و روابط بین آنها دارد، انسان به منزله جزئی از هستی که هر یک از عناصرش مکمل سایر اجزای مجموعه هستی است، ارتباط ویژه ای از نظر بهره برداری و توسعه با سایر عناصر طبیعت دارد. حکمت

الهی مقدر کرده است که انسان وارث زمین شود، بنابراین انسان علاوه بر اینکه جزئی از جهان هستی است، مجری دستور الهی نیز هست (همان منبع).

دین مبین اسلام دستورات مشخص و مؤکدی در راستای حفاظت و صیانت از منابع طبیعی دارد. با بررسی منابع اسلامی، ۱۳ ویژگی زیست محیطی و منابع طبیعی اسلام در همین رابطه شناسایی گردید که عبارتند از:

- ۱- انسان خلیفه خدا بر زمین: انسان جانشین خدا بر زمین (بقره/۲۰، ص/۱۲۶، نور/۵۵) و برتر از سایر مخلوقات است.
- ۲- سپاسگزاری از نعمت ها: یعنی نعمت ها را چنان که شایسته است باید به کار گرفت (انفال/۱۵۳، ابراهیم/۷).
- ۳- تلقی عناصر طبیعت به عنوان آیات الهی: طبیعت شاهدهی بر عظمت و علم بی پایان خالق آن است (انعام/۹۹، فرقان/۶۲).
- ۴- تفکر و تدبّر در آیات الهی: درس خداشناسی و اثبات وجود خالق قادر است (الرحمن/۳۳، آل عمران/۱۹۱، جاثیه/۱۳).
- ۵- مسئول بودن در قبال محیط زیست و منابع طبیعی: انسان در برابر سلامت محیط زیست مسئول است (نهج البلاغه/ خطبه ۱۶۷).
- ۶- امانتدار بودن: تابلوی زیبای آفرینش، امانت در دست بشر است (انفال/۲۷، روم/۴۱).
- ۷- قناعت: دوری از زیاده روی، افراط و تجاوز از حد است (قمر/۴۹، حجر/۲۱، اعراف/۳۱).
- ۸- تعادل و میانه روی: مصرف به حد نیاز است (بقره/۱۴۳، غافر/۱۳).
- ۹- استفاده بهینه از منابع طبیعی: به معنای داشتن بهترین بهره برداری از طبیعت است (جاثیه/۱۲ و ۱۳، بقره/۲۹، ملک/۱۵).
- ۱۰- حفظ محیط زیست و منابع طبیعی: حمایت همراه با شناسایی و بهره برداری از طبیعت است (اسراء/۴۴).
- ۱۱- فساد: قرآن کریم هرگونه ویرانگری و تخریب طبیعت را فساد می داند (بقره/۲۰۵).
- ۱۲- آبادسازی زمین: مهمترین عنصر خلافت الهی بعد از فراگیری معارف دینی است (هود/۶۱).
- ۱۳- قاعده لاضرر: اسلام ضرر رساندن و پذیرفتن ضرر را روا نمی دارد (امام باقر (ع) / وسائل الشیعه) (حوزه نمایندگی ولی فقیه سازمان جنگل ها، مرتع و آبخیزداری کشور، ۱۳۹۳).

همانطور که امام خمینی (ره) معتقدند قاعده لاضرر بر احکام حکومتی هم دلالت دارد. پیامبر اسلام (ص) در این خصوص می فرمایند: در حوزه حکومت اسلامی ضرر زدن به مومنان و مشکل آفرینی بر آنان ممنوع است. با توجه به مطالب فوق اینگونه می توان نتیجه گرفت تخریب و تصرف منابع طبیعی نوعی ضرر و زیان رساندن به عموم مردم است. نهایت الامر تخریب و از بین بردن منابع طبیعی مورد رضایت خداوند و پیامبران و امامان (ع) نمی باشد (شاه ولی، ۱۳۹۳).

بر طبق آیات متعددی از قرآن کریم و روایات زیادی از معصومین (ع) می توان، طبیعت و منابع طبیعی را به صورت فهرست وار در این چند اصل خلاصه کرد:

الف- طبیعت و منابع طبیعی مخلوق خداوند هستند: در مورد این اصل می توان گفت که آیات و روایات متعددی، جهان هستی و طبیعت را مخلوق خداوند می دانند و خداوند، همه آسمان ها، زمین، خورشید، ماه، ستارگان و سایر منابع طبیعی را آفریده است. و آفرینش طبیعت از روی حق بوده و هیچ گونه باطلی در آن راه ندارد. خداوند در قرآن در آیه ۱۶ سوره انبیاء می فرماید: "ما، آسمانها و زمین و ما بین آنها را به گزاف نیافریدیم". بنابراین ما انسانها باید به طبیعت و منابع آن با نگاه تکریم و مصنوع خداوند بنگریم و به بزرگی و عظمت آن اعتقاد داشته باشیم.

ب- طبیعت پرورش یافته خداوند است: که طبیعت تنها آفریده خداوند نیست بلکه پرورش یافته به دست اوست، به همین دلیل است که خداوند هم خالق جهانیان است و هم پروردگار آنان. بر طبق آیات قرآن، خداوند پروردگار آسمانها، زمین، مغرب، مشرق و همه موجودات میان آنها و بالاخره پروردگار همه جهانیان است.

ج- طبیعت نشانه هستی و وجود خداوند است: قرآن طبیعت را آیه و نشانه هستی پروردگار معرفی می کند و یکی از براهینی که متکلمان برای اثبات وجود خداوند اقامه می کنند همین برهان نظم در موجودات عالم است. پس می توان طبیعت را جلوه جمال، قدرت، علم و حکمت خداوند دانست.

د- نظام طبیعت نظام احسن است: در مورد احسن بودن نظام طبیعت می توان گفت که جهان طبیعت هم به لحاظ مواد، زیبایی، استواری و تنوع و کمیت و کیفیت به گونه ای آفریده شده که نمی توان بهتر از آن را فرض کرد و این نظام بهترین نظامی است که ممکن بود آفریده شود.

ه- طبیعت از نعمت های الهی است: از مهمترین نکته هایی که خداوند خالق طبیعت به انسان یادآوری می کند این است که طبیعت نعمت بزرگ خداوند است. بر طبق آیات قرآن و روایات معصومین، زمین، آسمان، دریاها، رودها، شب و روز، خورشید و ماه، درختان و میوه ها همه نعمت های بزرگ خداوند به شمار می آیند.

و- انسان در قبال طبیعت مسئولیت دارد: یکی از اصولی که ما قبول داریم این است که انسانها باید پاسخگوی اعمال خودشان باشند و طبیعی است که در نحوه برخورد با طبیعت و منابع آن هم انسان مسئول است و می توان گفت که طبیعت امانت خداوند در دست بشریت است و انسان هم امانتدار خداوند است. وقتی انسان خود را امانتدار بداند نه قیم مطلق طبیعت که به دلخواه در آن تصرف کند، حتما در حفظ و صیانت از طبیعت به گونه ای که رضای خداوند در آن است، برنامه ریزی و عمل خواهد کرد.

ز- انسان توان بهره وری از طبیعت را دارد: از آنجا که انسان خلیفه خداوند در روی زمین است، خداوند به بشر توان و استعدادی را عنایت کرده که بتواند زمینه رشد، شکوفایی و بالندگی خود و جامعه خویش را داشته باشد و بتواند با استفاده از مواهب الهی نهفته در طبیعت در روح و جسم خود نشاط و شادابی ایجاد کند و طبیعت را هم به گونه آفریده است که همه نیازهای آدمی در آن نهفته است. نکته مهم این است که از توان خدادادی در بهره وری از طبیعت باید بهینه و بجا استفاده کند (ابراهیمی، ۱۳۸۸، صص ۲۵-۲۴).

رویکرد های فعلی و آتی صیانت از منابع طبیعی

اسلام طبیعت و منابع طبیعی را مقدس می داند و معتقد است بر رابطه انسان با این منابع یک نوع قداست حاکم است (عابدی سروستانی و همکاران، ۱۳۸۶). بنابراین، ارتباط انسان با منابع طبیعی، تحت تأثیر نظرات، عقاید، ارزش ها، افکار و رفتار اوست و هرگونه تغییری در این موارد مسئولیت و بهره برداری وی را از منابع طبیعی تغییر خواهد داد. لذا، هرگونه تلاش در جهت صیانت از منابع طبیعی بایستی از انسان آغاز گردد. زیرا این انسان ها هستند که سرانجام کلیه توصیه ها را بنا بر چگونگی خصوصیات روانی خود تفسیر و تعبیر نموده و ممکن است آنها را به کار برند و یا رد نمایند (شاه ولی، ۱۳۷۵). در این رابطه الگوی شاه ولی (نگاره ۱) بر این نکته تأکید دارد که حرکت از رویکرد فعلی پایداری و صیانت که بر تفکر پراگماتیسمی تمرکز دارد باید به رویکرد توحید محور پایداری و صیانت که حول محور بکارگیری فلسفی و دینی برای حفاظت و صیانت از منابع می چرخد، تغییر نماید. به همین منظور ضروری است تا انسان هایی که بهره برداران و حافظان اصلی منابع هستند، عمیقاً درک گردند و مورد آموزش قرار گیرند (شاه ولی و امیری اردکانی، ۱۳۹۲).



براساس الگوی فوق، باید افکار و رفتارهای زیست محیطی و منابع طبیعی توحید محور را برای صیانت از منابع طبیعی مبنا قرار داد. زیرا تحقیقات دانشمندان علوم دینی در جهان نیز نشان می دهد که تمام ادیان الهی به حفظ و صیانت از منابع طبیعی و محیط زیست توجه دارند (شاه ولی، ۱۳۹۳).

ارکان و مولفه های آموزش صیانت از منابع طبیعی

ارکان و مولفه های آموزش صیانت از منابع طبیعی متعددی می باشند. مبانی فلسفی، بهره برداران منابع طبیعی، کارگزاران حرفه ای و کارشناسان منابع طبیعی، تکنولوژی نشر (روش های آموزش انفرادی، گروهی و انبوهی)، ساختار و تشکیلات منابع طبیعی، مسائل و مشکلات بخش منابع طبیعی و عوامل پیرامونی و محیطی (پیش برنده و بازدارنده) مهمترین مولفه ها و رکن های آموزش صیانت از منابع طبیعی به حساب می آیند. مبانی فلسفی اولین و مهمترین رکن قلمداد می گردند (ملک محمدی، ۱۳۸۶). قبل از اینکه به مبانی فلسفی آموزش صیانت از منابع طبیعی پردازیم ضروری است علمی یا فلسفی بودن آن مورد بررسی قرار گیرد.

آموزش صیانت از منابع طبیعی یک بینش علمی است یا بینش فلسفی؟

منابع طبیعی در زمره نعمت‌ها و موهبت‌های بزرگ الهی قرار دارند تا آدمیان در برابر این نعمت‌ها شکر گزار باشند و در حفظ و احیای آنها که حیات موجودات زنده و بشر به آنها بستگی دارد بکوشند. حفظ این نعمت‌های الهی، پیش از آنکه علمی تجربی و طبیعی باشد، دانشی تجربیدی و انسانی است و از خاستگاه انسانی انسان جوانه می‌زند و تنها نگاه طبیعی و مادی به آن، مایه محدود دانستن این فن و بی توجهی به این شان شریف انسانی است، تمامی ادیان الهی به این امر توصیه و آموزه‌های بلندی را در این رابطه ارائه کردند (جوادی آملی، ۱۳۸۶).

از سوی دیگر در زمینه منابع طبیعی توجه صرف به مقوله صیانت از منابع طبیعی بدون در نظر گرفتن عامل انسانی و ملاحظات زیست محیطی و پارادایم دینی در واقع نوعی بینش علمی محسوب می‌شود. ولی در دیدگاه‌هایی که هدف توسعه را کمال انسان می‌دانند، استفاده ابزاری از انسان مطلوب نیست. از این رو باید وضعیت کل جامعه دگرگون شود و کیفیت زندگی بهبود یابد. از آنجا که کانون فعالیت‌های آموزش صیانت از منابع طبیعی، انسان است و از سویی دیگر آموزش صیانت از منابع طبیعی دارای اهداف آموزشی و پرورشی می‌باشد و سعی دارد با بررسی همه جانبه به رفع مشکلات و ابهامات موجود و همچنین یافتن پاسخی برای سوالات و مشکلات مخاطبان خودش بپردازد، پس بحث تفکر فلسفی معنی پیدا می‌کند. چرا که از آموزش صیانت از منابع طبیعی انتظار می‌رود؛ ابتدا انسان‌ها را به جستجو، تفکر و تأمل در خود و بعد در خارج از خود برانگیزاند و آرمان‌ها را بر او بشناساند و آنها را به یک سری اعتقادات قابل قبول رهنمون کند. در واقع فلسفه آموزش صیانت از منابع طبیعی، آموزش دادن به مردم است، در این مورد که چگونه فکر کنند و نه اینکه چه فکر کنند (شاه ولی، ۱۳۹۳).

آموزش صیانت از منابع طبیعی در متون اسلامی

با نگاهی به آیات و روایات و سیره اهل بیت (ع) روشن می‌گردد که هیچ مکتبی مانند اسلام به طبیعت و محیط زیست اهمیت نداده است. از سوی دیگر، قرآن کریم در بسیاری از آیات، انسان‌ها را به مطالعه و صیانت از طبیعت و عناصر آن فراخوانده است. طبیعت به شکلی خلق شده است که در خدمت انسان باشد و نیازهای او را برطرف کند. با در نظر گرفتن این نکته که به حکم قرآن کریم همه چیز در جهان آفرینش بر پایه نظم و عدالت استوار است و هر چیزی به اندازه لازم آفریده شده است (قمر، ۴۹)، این نتیجه به دست می‌آید که نابسامانی‌های موجود در طبیعت ناشی از بهره برداری نادرست از طبیعت و منابع آن است (اسراری و آرام، ۱۳۸۷).

فعالیت‌های انسان برای رسیدن به رفاه و توسعه اقتصادی و اجتماعی، خود باعث تخریب منابع طبیعی شده است. این تخریب آنچنان در وضعیت آب و هوای کره زمین، دگرگونی ایجاد کرده که سلامتی و حیات او و سایر موجودات زنده را به خطر انداخته است. شرایط به وجود آمده به حدی وخیم است که امروزه از آن به عنوان «بحران منابع طبیعی و محیط زیست» یاد می‌شود. برای رهایی از این بحران باید به اصول اخلاقی و متون دینی بویژه اسلام مراجعه کنیم، زیرا مبنای پیدایش این بحران‌های کنونی، بحران اخلاق در میان انسان هاست (اسراری و آرام، ۱۳۸۷).

آموزش صیانت از منابع طبیعی از نگاه پیامبر اکرم (ص)

مردم آن روزگار گرچه از گیاهان استفاده‌های بسیار می‌کردند اما از فواید متعدد و متنوع آن آگاهی نداشتند. پیامبر خدا (ص) با قرائت و تفسیر صدها آیه درباره طبیعت، کشاورزی و ابعاد مختلف آن، مردم را از خواب غفلت بیدار ساخت. رسول خدا در پرتو این آیات با عظمت قرآن به مردمان فهمانید که گیاهان نعمت‌ناپیدا کرانه الهی هستند، که نه تنها بخش عظیمی از روزی آدمی را فراهم می‌آورند بلکه بر روان آنها نیز تأثیر فراوان دارند و آیت و نشانه هستی و قدرت و حکمت خدای متعال و نیز دلیل درستی معاد و رستخیز بزرگ خدایند. پیامبر خدا (ص)، در این باره زوایای جدیدی از دانش و فهم را به روی مردمان آن روزگار گشود، و این نیز بر انگیزه مردم برای کاشت درختان و حفاظت بیشتر از آنها و کوشیدن در مسیر کشاورزی و دامداری افزود (حسینی، ۱۳۸۵).

قرآن کریم در چند آیه، پیامبر خدا(ص) را این گونه پیامبری می داند که از میان مردم برخاست و کتاب خدا و حکمت را به آنان آموخت: هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمۀ و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین. «آن خدای کسی است که در میان آن درس ناخواندگان فرستاده ای از ایشان برانگیخت تا آیات او را برای آنان بخواند و آنان را پاکیزه سازد و به آنان کتاب و حکمت را آموزد. هر چند پیش از آن در گمراهی آشکار بودند». در ده ها آیه از آیات قرآن از ارزش دانش، علم، تفکر، تأمل و عناوینی از این قبیل سخن به میان آمده است. به طور خلاصه، آموزش دین، دانش و حکمت در متن تعالیم رسول خدا (ص) قرار داشته است و احکام مرتبط به آب، زمین، درختان، دامداری و دامداران و کشاورزان در زمره این تعالیم است. ده ها روایت رسیده از آن حضرت بیانگر این واقعیت است که رسول خدا در این باره بسیار کوشیدند و کوشش هایش در حوزه آموزش و فرهنگ سازی مباحث منابع طبیعی و محیط زیست تاثیر فراوان داشته است (همان منبع).

آموزش صیانت از منابع طبیعی از منظر امام علی(ع)

در کنار انگیزه های اقتصادی، یکی از عوامل قطع درختان و تخریب عرصه های منابع طبیعی کشور ناآگاهی از پیامدهای زیستی، اقتصادی، اجتماعی این قبیل اقدامات است، بطوری که امام علی (ع) در خصوص نقش عامل ناآگاهی و جهالت در ایجاد ضرر و نقش علم و معرفت در سازندگی و بهبود بهره وری می فرماید: «أَلْعَلِمُ رَأْسُ الْخَبِرِ كَلُّهُ وَ الْجَهْلُ رَأْسُ الشَّرِّ كَلُّهُ». «شور در جهل ها و ناآگاهیها و خوبیها در علم و معرفت ریشه دارد». بنابراین می توان گفت که امروز نقش اطلاع رسانی، افزایش سطح آگاهیهای عمومی، آموزش صیانت از منابع طبیعی، بخصوص برای حاشیه نشینان جنگل و ساکنان مناطق روستایی و محدوده های منابع طبیعی و همچنین ساکنان شهرها، نقش بسیار مؤثری می تواند در تقلیل تخریب جنگلها و مراتع مناطق مختلف کشور داشته باشد (سرور، ۱۳۹۳).

مبانی فلسفی آموزش صیانت از منابع طبیعی

انسان موجودی است که بی هدایت به اهداف خود نمی تواند دست یابد. انسان متوجه می شود که با جهل و نادانی نمی تواند زندگی کند. آموزش پیداکننده مشکلات است و می خواهد کمک کند تا انسانها خود مشکلات خود را پیدا کنند. آموزش القاء نیست بلکه هدایت است (ملک محمدی، ۱۳۸۶).

احکام آموزش در قالب فلسفه این است که باید انسانها آموزش ببینند و به تکلیف خود واقف شوند که اگر آموزش ندیدند در همان حدود عقل و علم خود عمل می کنند. پس به هیچ عنوان نباید مواخذه شوند. بنابراین انسانها باید بیاموزند و یاد بگیرند. کلا زندگی چیزی به جز یادگرفتن چگونه بودن نیست (زندگی شدن است و شدن چیزی جز چگونه بودن نیست). حکم دانش به عنوان یک ثروت این است که به دیگران منتقل شود اگر نشود ظلم است (حکم آتش، سوزاندن است غیر از این ظلم است). انسان دائما باید از آنچه که هست به آنچه که باید باشد تغییر کند. انسان خلق شد که آدم بشود. جوهر انسان آفریده شد و دارای خصایصی شد که اگر خلاف آنها رفتار کند ظلم است (در قالب تکلیف باید آموزش ها داده شود). در قالب وظیفه نیز باید آموزش های لازم به انسان داده شود (مانند توجیه کارمند تازه استخدام). کلا آموزش های صیانت از منابع طبیعی جزء احکام فلسفی هستند (تکلیف هستند). فلسفه آموزش صیانت از منابع طبیعی، ظرفیت سازی و توانمندسازی انسانها و مهیا سازی و آماده کردن آنها برای رویارویی با چالش های آتی می باشد. ماده اولیه در فرآیند آموزشی استعداد می باشد. استعدادها در بعضی افراد به حد کمال می رسد. مرحله بعد از استعداد، تبدیل استعداد به مهارت می باشد. پس بر مبنای آموزش هدف تبدیل استعداد به مهارت است (ملک محمدی، ۱۳۸۶).

فلسفه صیانت از منابع طبیعی به طور عام و آموزش صیانت از آن به طور خاص بر کارکرد آنها تاثیر می گذارد. برای مثال، اگر فلسفه رئالیسم بر آموزش صیانت از منابع طبیعی حاکم باشد، بر جنبه های خود اتکایی فرد، شناخت از طریق تجربه و حل مساله در دنیای واقعی تاکید خواهد شد؛ ولی اگر فلسفه پراگماتیسم بر آموزش صیانت از منابع طبیعی حاکم باشد بر شکل گیری شخصیت از طریق تجربه، یادگیری برای مقابله با تغییرات محیطی، بهره گیری از رهیافت های عمل گرا، آموزش اکتشافی توأم با آزمون آیده ها و اندیشه ها در دنیای واقعی و بازسازی تجارب از اهمیت خاصی برخوردار خواهند بود (ابدی، ۱۳۹۲).

فلسفه آموزش صیانت از منابع طبیعی قرابت نزدیکی با فلسفه تعلیم و تربیت دارد، که سعی دارد با بررسی همه جانبه به رفع مشکلات و ابهامات موجود و همچنین یافتن پاسخی برای سوالات و مشکلات آحاد مختلف جامعه بپردازد. این فلسفه را می توان چنین بیان کرد: به منظور رفع نیازهای اطلاعاتی، نظری و عقیدتی، دینی و فلسفی و نیز ارتقای مهارتهای افراد یک جامعه و تقویت توان خدماتی آنان و تحقق بینش انسانی و پدیداری زمینه مناسب برای بروز خلاقیتهای متفاوت انسانی و نهایتاً استمرار حرکت تکاملی او، لازم است امکانات آموزشی مساوی و متناسب برای همه افراد جامعه در رفع نیازهای فعلی و انتظارات آتی آنها فراهم آید تا در قالبی آزاد و داوطلبانه افراد را به فراگیری بیشتر و تحقق اهداف به صورتی نظارت شده تشویق نماید (ملک محمدی، ۱۳۸۶).

آموزش صیانت از منابع طبیعی در پارادایم های مختلف

شناخت مجموعه پیش فرض های فلسفی و اصولی که بیان کند جهان چگونه جهان کار می کند و چگونه می توان در آن تحقیق نمود. شامل پیش فرض های اساسی، سؤالات بنیادی که باید جواب داد، معماهایی که باید حل کرد و تکنیک های تحقیقاتی که باید در شناخت واقعیت استفاده نمود. شناخت و توضیح واقعیت قبل از ظهور و گسترش علوم انسانی اساساً در اختیار علمای مذهبی و فلسفی که به تفکر، تعمق و تحقیق می پرداختند، بوده است (ایمان، ۱۳۸۵). شناخت دارای سلسله مراتبی است. شناخت پارادایمی، پایین تر از شناخت فلسفی و در مرحله ای بالاتر از شناخت علمی یا شناخت مبتنی بر نظریه علمی قرار دارد (شاه ولی، ۱۳۹۳). دستگاهها، پارلمان های دولتی، نهضت ها و احزاب غالب در کشورها می توانند در قالب اصول، مقررات و قوانین خود، پارادایمی را بر جامعه حاکم کنند که مانند چتری بر نوع و سبک زندگی افراد جامعه سایه افکند و خط فکری و رفتاری آنها را تحت تاثیر قرار دهد (ابدی، ۱۳۹۲). اندیشمندان اجتماعی در انجام تحقیقات اجتماعی و توضیح واقعیت های اجتماعی از پیش فرض های (پارادایم های) مختلفی برخوردار گردیدند که شاهد طرح چهار پارادایم غالب در علوم انسانی هستم (ایمان، ۱۳۸۵).

در مقوله آموزش صیانت از منابع طبیعی، پارادایم های علوم انسانی (اثبات گرا، پسا اثبات گرا، انتقادگرا، ساخت گرا) تمرکز اصلی آموزش حول محور انتقال فن آوریها در بین گروه هدف و مخاطبان می باشد و به عامل انسانی توجه کمی می شود و انسان را موجودی مادی گرا، تولید محور، منفعت جو فرض می کنند. ولیکن در پارادایم توحید محور (پارادایمی سازگار با بوم فنی و معرفتی کشور ما)، آموزش صیانت از منابع طبیعی علاوه بر انتقال و اشاعه فن آوریهای نوین، نقش های دیگری همچون: تربیت انسانهای متعهد و متخصص، توانمندسازی و مهیاسازی انسانها، نهادهای بومی، NGOها، CBOها، تعاونی ها، توسعه فرهنگی، آموزش مهارتها به جوامع محلی، ارتقاء سطح دانش، بینش و مهارت مردم و بهره برداران، جلب مشارکت مردم و نهادهای دولتی در مدیریت پایدار منابع طبیعی، ارتقاء بهره وری و اثربخشی را بر عهده دارد (حسینی، ۱۳۸۰).

انتظارات و توقعات از دانش آموخته های منابع طبیعی در امر آموزش صیانت از منابع طبیعی

اهمیت فلسفیدن و تفکر فلسفی در زندگانی انسان به ویژه از آن جهت است که جهان حقیقی او همانا جهان ارزش هاست و آدمی تنها آنگاه به مقام انسانی می رسد که به ارزش ها رو کند و رو کردن به ارزش ها که همانا برگزیدن آنهاست، نیز مستلزم تفکر فلسفی است. دانش آموخته منابع طبیعی نیز نباید در پی از بر کردن و در یاد نگاه داشتن اندیشه های دیگران باشد، بلکه باید با اصول و مقدمات اندیشیدن آشنایی باید و خود شخصاً به فلسفیدن بپردازد. اما توقعی که از دانش آموخته منابع طبیعی می رود این است که خود را برای ورود به جامعه در حال تغییر و رویارویی با چالش های عصر حاضر یعنی عصر مجازی آماده کند و این هم مستلزم داشتن دانش سازگاری در کنار دانش نظری و عملی (توجه به ابعاد سه گانه دانش) است (شاه ولی و همکاران، ۱۳۸۲). وی همچنین بایستی تفکری سه زمانه داشته باشد؛ یعنی با در نظر گرفتن «گذشته» و رفع نیازهای «حال»، نگاهی به آینده و نسل های آتی جامعه روستایی داشته باشد، که این مهم دست یافتنی نیست مگر با داشتن تفکر فلسفی (شاه ولی، ۱۳۹۲).

بطور کلی دانش آموخته منابع طبیعی که تنها دارای بینش علمی است بیشتر به نیازهای گذشته تا حال توجه نموده و صرفاً با توجه به نمود انسان می خواهد بسیاری از مشکلات پیچیده حوزه منابع طبیعی و حوزه های دیگر را حل کند. این در حالی است که به نهاد انسان،



آینده و انتظارات و آرزوها توجه ای نمی کند. اما با داشتن تفکر فلسفی در کنار پیش علمی برای چالش با محیط در حال تغییر خودش را مهیا می کند، ترسیم روند نموده و انتظارات و آرزوها را هم مورد توجه قرار می دهد. همچنین آمادگی لازم جهت حل مشکلات جدید، نظیر تخریب سرزمین، تغییر اقلیم، بحران آب، مسایل و مشکلات زیست محیطی، امنیت غذایی، امنیت اکولوژیکی، فقر فرهنگی، فقر مادی، فقر دینی و... را دارد (شاه ولی، ۱۳۹۲).

فلسفه و پارادایم غالب در آموزش صیانت از منابع طبیعی

نظر به اهمیت آموزش صیانت از منابع طبیعی، این مقاله به بررسی پارادایم های غیر توحید محور آموزش صیانت از منابع طبیعی یعنی "اثبات گرا"، "پسااثبات گرا"، "انتقادگرا" و "ساخت گرا" می پردازد. پارادایم های غیر توحید محور در آموزش مربوط به صیانت و بهره برداری از منابع طبیعی یک رویکرد کالبد شکافانه دو زمانه از گذشته تا حال ارائه می دهند تا عوامل موثر بر تخریب و بهره برداری بی رویه از این منابع را شناسایی نمایند (شاه ولی و همکاران، ۱۳۸۶). تلاش های صورت گرفته جهت صیانت و بهره برداری بهینه از منابع طبیعی به دلیل عدم توجه به رابطه انسان با منابع طبیعی و پویایی اخلاق حفاظت از منابع طبیعی از یک سو و استفاده از پارادایم مادی گرا کارساز نبوده است. بنابراین هرگونه تلاش برای جلوگیری از تخریب منابع طبیعی و بهره برداری مطلوب از این منابع باید از اصلاح و بازنگری پارادایم ها آغاز شود. بعبارت دیگر پارادایم های علمی موجود به دنبال جدایی بین ارزش های دینی و منابع طبیعی می باشند. لذا پارادایم گزیداری منطبق با فطرت انسان و احکام الهی را ارائه می دهد که ماهیت فرارشته ای و همه جانبه ای دارد و تبیین کننده رابطه مناسب انسان با طبیعت و ارزش های دینی می باشد. این پارادایم طبق بوم فنی و معرفتی کشور ما، پارادایم توحید محور خواهد بود (شاه ولی و ملکیان، ۱۳۹۲).

ضرورت آموزش صیانت از منابع طبیعی با پارادایم توحید محور

ریشه اصلی کم توجهی به صیانت از منابع طبیعی و بهره برداری بی رویه از آن در زمان معاصر را باید در نگاه و تفسیر بشر از منابع طبیعی جستجو کرد. به بیان دیگر مشکل اصلی در معرفت شناسی و جهان بینی آدمی است. توجه به اخلاق در صیانت از منابع طبیعی را می توان بیانگر اهمیت بعد نرم افزاری صیانت در کنار بعد سخت افزاری و فنی دانست. شواهد نشان می دهند که بیشتر تلاش های فنی نتوانسته اند به طور موثر در پیشگیری از تخریب منابع طبیعی موفق باشند. از این رو، دیدگاه جدید در پایداری و صیانت از منابع طبیعی باید علاوه بر عوامل فنی، متوجه انسان باشد که خواه نا خواه، وجه فلسفی و دینی را در برمی گیرد. در واقع برای صیانت از منابع طبیعی، از دیدگاه فلسفی، دینی و بویژه اخلاقی، کمتر سخن به میان می آید. در حالی که بدون آموزش صحیح مباحث معنوی و قرآنی و اعتقادی، در فراگیرترین شکل فلسفی و اخلاقی آنها، هرچه از تخریب منابع طبیعی و ضرورت صیانت و حفاظت آن گفته شود، راه به جایی نخواهیم برد (شاه ولی و همکاران، ۱۳۸۶).

اجزاء پارادایم توحید محور آموزش صیانت از منابع طبیعی

پارادایم ها مجموعه ای از باورها، سوالات و مفاهیم بسط داده شده می باشند که فرد از طریق آنها به جهان می نگرد. پارادایم ها رابط بین انسان و جهان هستی اند. در واقع، بشر در تمام ادوار زندگی، با پارادایم ها سرو کار دارد. زیرا آنها سبک زندگی، رفتار اجتماعی و رفتار با محیط پیرامون را تعیین می کنند (ایمان، ۱۳۸۵). پنج جزء پارادایم ها عبارتند از هستی شناسی، انسان شناسی، شناخت شناسی، روش شناسی و ارزش شناسی. هستی شناسی بر اصطلاح "چه چیزی"، انسان شناسی بر "نمود و نهاد انسان"، شناخت شناسی بر "بنیان های نظریه ای"، روش شناسی بر "چگونگی شناخت" و ارزش شناسی بر "جنبه های اخلاقی چه چیزی و چگونگی آن" دلالت دارند (ابدی، ۱۳۹۲). لذا در طراحی پارادایم آموزش صیانت از منابع طبیعی باید به پنج پرسش اساسی پاسخ داد:

- ۱- واقعیت منابع طبیعی چیست؟ هستی شناسی این منابع از منظر پیدایش، بهره برداری و معضلات موجود آن چگونه باید باشد؟
- ۲- نگاه به انسان جهت آموزش صیانت از منابع طبیعی باید چگونه باشد؟
- ۳- منابع طبیعی را چگونه می توان شناخت؟ شناخت شناسی این منابع چگونه باید باشد؟

۴- روش های مواجهه با پیامدهای تخریب منابع طبیعی کدام است و چگونه باید باشد؟

۵- چه ارزش هایی برای صیانت از منابع طبیعی ارجحیت دارند؟ به عبارت دیگر، ارزش گذاری منابع طبیعی چگونه باید باشد؟ (همان منبع)
رسالت تاریخی آموزش تاکنون در حد تغییر دانش، بینش و رفتار بوده است. این درحالی است که ما نیازمند بینش های فلسفی هستیم. در واقع با تاکید بر تغییر رفتار انسان ها نمی توان به توسعه و پیشرفت دست یافت، چرا که این نوع تغییر یک نوع تغییر ناپایدار است. به عبارت دیگر با دگرگونی پارادایم انسان ها به سمت بینش فلسفی می توان تغییرات لازم در رفتار آنها را به وجود آورد. در بحث آموزش صیانت از منابع طبیعی اینکه صرفاً گروه هدف را آموزش بدهیم که رفتارشان را تغییر دهند، در طول زمان استمراری نخواهد داشت و برای یک تغییر پایدار در رفتار گروه های هدف و مخاطبان باید به نهاد آنها توجه داشت (ملک محمدی، ۱۳۸۶).

هستی شناسی و انسان شناسی: طبیعت و منابع طبیعی از وراء عینیت آن و قائل شدن معنویت برای آن تعریف می گردد. اگر چه برای هستی باید عینیت واقعی قائل بود ولی صرفاً قائم به آن نیست (ابدی، ۱۳۹۲). از لحاظ هستی شناسی باید به این نکته اشرف داشت که واقعیات مخاطبان به نوبه خود می تواند دو جنبه ذاتی و اکتسابی داشته باشد. بخش عمده ای از واقعیات همان است که مخاطبان آموزش از آن آگاهند و آموزشگر منابع طبیعی فقط وظیفه یادآوری، بازآفرینی و تسهیل تغییرات را بر عهده دارد و در مواردی که مخاطب ناآگاه هست باید سعی در ساختن واقعیت داشته باشد. لذا برای حداکثر کردن کارآیی فعالیت ها باید قبل از هر چیز، نقاط مشترک واقعیات را پیدا کرد و اساس کار را بر آن پایه گذاری کرد. نکته دیگری که باید توجه کرد این است که آموزشگر منابع طبیعی بایستی واقعیات را در یک سیر تاریخی مورد توجه قرار دهد (ملک محمدی، ۱۳۸۶).

برای تحقق آموزش صیانت از منابع طبیعی با رویکرد توحید محور، می باید حرکت از روش نادرست " بدیهی پنداری " به " تردید انگاری " از " سیر بیرون " به " سیر درون به بیرون و بالعکس " از " توجه به طبیعت " به " توجه همزمان به انسان و طبیعت " و از " عینی " به " عینی و ذهنی " صورت پذیرد (ابدی، ۱۳۹۲).

از لحاظ انسان شناسی در پارادایم توحید محور، در آموزش صیانت از منابع طبیعی، انسان و طبیعت موجودات مادی ناب نیستند و بین این دو موجود رابطه وجود دارد. بنابراین از آنجا که انسان و طبیعت فقط، بعد مادی نیستند، در آموزش آنها بایستی به بعد روحانی و غایت اخروی هم توجه شود. از همین رو در این پارادایم، نگاه «شی انگارانه» به انسان و طبیعت به صورت جداگانه پذیرفته نمی شود (شاه ولی و همکاران، ۱۳۸۶).

شناخت شناسی: در پارادایم توحید محور برای تبیین واقعیات از جمله شناخت طبیعت و منابع طبیعی، منابع شناخت توسعه می یابد و شامل طبیعت، جامعه، تاریخ، عقل، دل (قلب) و غیب می شود و ابزار شناخت نیز بسط یافته و شامل ابزارهای حسی، عقلی، شهودی، وحی و الهام می شود و ملاک صحت همه معارف، انطباق با واقع، آنهاست. بنابراین، در تبیین واقعیات های اجتماعی نیز از همه این منابع استفاده شده و ابزارها نیز به کار گرفته می شود (شاه ولی و همکاران، ۱۳۸۶). پژوهشگر و آموزشگر در نظام پارادایمی توحید محور هم برای شناخت طبیعت برانگیخته می شود و هم آنها را آفریده خالق هستی می داند که در هر ورقه از آن معرفت کردگار نهفته است. وی همچنین به همه ابزارهای شناختی شهودی، غیبی، عقلی و تأثیر عوالم ماورائی اعتقاد دارد و در صدد کشف آنهاست (شاه ولی، ۱۳۹۲). از لحاظ شناخت شناسی نیز در زمینه آموزش صیانت از منابع طبیعی باید به لزوم ارتباط مداوم و مستمر مخاطب و آموزشگر اشاره کرد. به طوری که ارتباط متقابل بین آنها اهمیت زیاد دارد و واقعیات مخاطبان که اساس فعالیت های آموزشی را تشکیل می دهد، برآیند این تعامل هستند (ملک محمدی، ۱۳۸۶).

بنابراین جهت اجرای اثربخش آموزش صیانت از منابع طبیعی با رویکرد توحید محور، گذار از "توصیف" به " تفسیر و تاویل " از "ایستایی" به "پویایی افقی/عمودی/مورب" از "نتیجه گرایی" به "فرایند گرایی" از "جزء نگری" به "کل نگری" ضروری است (ابدی، ۱۳۹۲).

روش‌شناسی: در روش‌شناسی پارادایم توحید محور، پژوهشگر و آموزشگر منابع طبیعی ترغیب می‌شود تا با رویکرد فرا رشته‌ای، ضمن تجزیه و تحلیل منطقی گذشته تا حال صیانت منابع طبیعی، رویکرد آتی این تغییرات را با تفسیر حکیمانه ترسیم کند. کل‌نگری نیز در روش‌شناسی این پارادایم در امر آموزش صیانت از منابع طبیعی از اهمیت زیادی برخوردار است (ابدی، ۱۳۹۲). به لحاظ روش‌شناسی جهت آموزش صیانت از منابع طبیعی، روش‌های آموزشی مورد استفاده از روش‌های یک‌طرفه و آموزشگر محور به روش‌های دو طرفه و مخاطب محور تغییر پیدا خواهد کرد (ملک محمدی، ۱۳۸۶) و جهت اثربخشی بیشتر در امر آموزش به همه روش‌ها و ابزارها اعم از حس، تجربه، شهود، عقل و وحی در امر آموزش صیانت از منابع طبیعی (تلفیق منابع شناخت علمی، دینی و فلسفی) توجه می‌شود و به همین دلیل، روش‌های متنوع علمی (بومی و رسمی)، تعاملی، مشارکتی، مسئله‌گشایی گروهی، دیالکتیک و هرمنوتیک مورد توجه قرار می‌گیرند (شاه ولی، ۱۳۹۳). در واقع برای اینکه مخاطب قانع شود که مضامین مورد نظر برای وی مفید است، لازم است که با استفاده از قدرت تجربی، عقلی، شهودی و وحیانی اهمیت این کار و به عبارت ساده‌تر سود این کار را برایش مشخص کرد (ملک محمدی، ۱۳۸۶).

بطور کلی روش‌شناسی پارادایم توحید محور جهت آموزش صیانت از منابع طبیعی بایستی شامل چهار گذار از "رابطه دستوری به روابط ترغیبی/اقتناعی/اجمالی"، از "نسخه پیچی به گفتمان"، از "مشاهده گری به پرسشگری" و از "محاسبه نتایج به تحلیل و مقایسه نتایج ناشی از اجرای پژوهش، برای تحقق صیانت از منابع طبیعی باشد (ابدی، ۱۳۹۲).

ارزش‌شناسی: گرچه ارزش‌شناسی یک رکن اساسی است ولی ماهیت آن در پارادایم توحید محور با دیگر پارادایم‌ها تفاوت دارد. برای مثال، هدف غایی پارادایم‌هایی مانند اثبات‌گرا و پس‌اثبات‌گرا بر شناخت گزاره‌ای و در پارادایم انتقاد‌گرا و ساخت‌گرا علاوه بر شناخت گزاره‌ای بر شناخت پویا مبتنی است و عمدتاً فاقد بار ارزشی می‌باشند (ابدی، ۱۳۹۲). ولیکن در پارادایم توحید محور آموزشگر در آموزش‌های حول محور صیانت از منابع طبیعی و بهره‌برداری بهینه از آن دارای بار ارزشی و جهت‌گیری معین است (شاه ولی و همکاران، ۱۳۸۶). از جنبه ارزش‌شناسی، در زمینه آموزش صیانت از منابع طبیعی این نکته باید مورد توجه قرار گیرد که یگانه‌غایت ارزشمند رضایت‌بخشوندی پروردگار است. لذا ماهیت رابطه انسان با محیط پیرامون باید متناسی از رابطه انسان با خدا باشد. زیرا خداوند نه تنها خالق تمام هستی بلکه بر تمام مخلوقات آن احاطه دارد (ابدی، ۱۳۹۲). (جدول ۱)

جدول ۱ - اجزاء چهارگانه پارادایم های اثبات گرا، پسااثبات گرا، انتقادگرا، ساخت گرا و توحید محور جهت تحقق آموزش صیانت از منابع طبیعی



اجزاء پارادایم	اثبات گرا	پسا اثبات گرا	انتقادگرا	ساخت گرا	توحید محور
هستی شناسی	<ul style="list-style-type: none"> -عینی گرا -مادی گرا - واقع گرایی ساده -رفتار انسان با منابع طبیعی در قالب یک قانون عام و پیش نوشته که مبتنی بر رابطه علت و معلولی و نوعی جبریت ساختاری است، شکل می گیرد. - انسانهایی منفعت جو، لذت جو و عقلانی که بوسیله نیروهای بیرونی شکل می گیرند - منابع طبیعی ارزش ذاتی خود را از دست می دهد و به شیء ای پست تبدیل می شود. -نگاه «شیء انگارانه» به انسان و طبیعت 	<ul style="list-style-type: none"> -عینی گرا -مادی گرا - واقع گرایی انتقادی جهت بررسی واقعیت پیامد های تخریب منابع طبیعی -مشتق شدن واقعیت از قوانین طبیعت -حفظ سلطه انسان بر منابع طبیعی -منابع طبیعی به عنوان وسیله ای برای رفع نیاز های انسان 	<ul style="list-style-type: none"> -واقع گرایی تاریخی -نقد و بررسی واقعیت برای تحول اساسی در آن با توسل به مفاهیم فلسفی 	<ul style="list-style-type: none"> -مبتنی بر نسبی گرایی -واقعیت به صورت اجتماعی ساخته می شود و یک واقعیت عینی برای تحقیق از سوی محقق وجود ندارد. - در صیانت از منابع طبیعی باید به ارزشها، ذهنیت ها و دیدگاه های چندگانه و ناپیدای افراد از منابع طبیعی توجه کرد. 	<ul style="list-style-type: none"> - انسان به عنوان اوج خلقت نظام هستی - تلقی عناصر طبیعت به عنوان آیات الهی -رویکردانی از شیوه نادرست بدیهی پنداری و حرکت بسوی تردید انگاری - سیر درون به بیرون و بلعکس - توجه همزمان به انسان و اشیاء - ترکیب عینیت و ذهنیت، - انسان را بایستی به ماوراء الطبیعه وصل کرد. - منابع طبیعی از وراء عینیت و قائل شدن معنویت برای آن تعریف می شود. - منحصر نبودن هستی به طبیعت - وجود خداوند و غایت مند بودن هستی - مراتب حیات آدمی - نسبی گرایی و رای علوم عادی توجه به واقعیت های محلی



شناخت شناسی	استقلال و جدایی انسان از طبیعت و منابع طبیعی	توجه به جایگاه مطلوب انسان در عالم هستی نسبت به سایر موجودات	ارتباط تعاملی بین انسان و منابع طبیعی	توصیف منابع طبیعی بدون مراجعه به موجودات زنده متعامل و مفهوم بخش امکان پذیر نیست.	رابطه انسان با منابع طبیعی یک رابطه تسخیری است نه قهری و قسری
رابطه استعمار گونه انسان و جامعه با منابع طبیعی	مبتنی بر عینیت گرای و دوئیت گرای اصلاح شده	پیرامون صیانت از منابع طبیعی	ارتباط دیالکتیک بین موجودات زنده و منابع طبیعی	رابطه انسان با منابع طبیعی باید متناسی از رابطه انسان با خالق آن باشد.	رابطه دوستانه و حس نوع دوستی نسبت به منابع طبیعی
دلالت بر عینیت گرای/دوئیت گرای	جدایی انسان از محیط پیرامون خود	انسان علی رغم خلاقیت، تعقیب تغییرات و انطباق با شرایط، دارای پتانسیل	ارتباط متقابل بین محقق و موضوع مورد تحقیق	در سطحی فراتر از تعامل بین انسان و منابع طبیعی، این تعامل باید با راس سومی به نام خداوند مرتبط باشد.	رابطه دوستانه و حس نوع دوستی نسبت به منابع طبیعی
ابزار شناخت عقل است		کج فهمی نیز می باشند که به استعمار آنان توسط دیگران می انجامد.	توجه به دیدگاههای چندگانه و متفاوت انسان ها	توجه به بعد معنوی رابطه انسان با منابع طبیعی	توجه به بعد معنوی رابطه انسان با منابع طبیعی
		تولید معرفت علمی بر پایه دیدگاههای چندگرا و متفاوت		انسان موجودی برخاسته از طبیعت و همسو و هم سنج با آن	انسان موجودی برخاسته از طبیعت و همسو و هم سنج با آن
		مبتنی بر تبادل و ذهنیت گرای		بهره گیری توام از توصیفات تجربی حاصل از مشاهدات و تاویل و تفسیر آنان بر اساس شواهد ذهنی، اکتشافات درونی و دستورهای شریعت	بهره گیری توام از توصیفات تجربی حاصل از مشاهدات و تاویل و تفسیر آنان بر اساس شواهد ذهنی، اکتشافات درونی و دستورهای شریعت
				تعامل سه نوع پویایی افقی (صیانت از منابع طبیعی از منظر تخصص های مقتضی)،	تعامل سه نوع پویایی افقی (صیانت از منابع طبیعی از منظر تخصص های مقتضی)،
				عمودی (توجه به صیانت از منابع از فراسوی زمان حال) و مورب (توجه به موضوع صیانت از منابع طبیعی و ارتباط آن با شرایط محلی و بین المللی)	عمودی (توجه به صیانت از منابع از فراسوی زمان حال) و مورب (توجه به موضوع صیانت از منابع طبیعی و ارتباط آن با شرایط محلی و بین المللی)
				برای شناخت منابع طبیعی از عینیات شروع می کند و بر تعامل عین و ذهن تاکید دارد.	برای شناخت منابع طبیعی از عینیات شروع می کند و بر تعامل عین و ذهن تاکید دارد.
				کسب یافته های خلق شده بشری و الهی	کسب یافته های خلق شده بشری و الهی



روشناسی	استفاده از روش پژوهش کمی برای حل مسائل منابع طبیعی	استفاده از روش پژوهش کمی و کیفی - مبتنی بر آزمایش و دستکاری اصلاح شده - تاکید بر چند گرایی انتقادی به عنوان روشی برای رد فرضیه ها بجای تایید - در حوزه صیانت از منابع طبیعی، تنها پژوهش های علمی که مبتنی بر ایده ها و نظرات متخصصان و محققان باشد میتواند مسائل و مشکلات منابع طبیعی را حل کند.	استفاده از روش های پژوهش کمی و کیفی - مبتنی بر آزمایش و دستکاری اصلاح شده - تاکید بر چند گرایی انتقادی به عنوان روشی برای رد فرضیه ها بجای تایید - در حوزه صیانت از منابع طبیعی تاکید بر دیدگاه بهره برداران منابع طبیعی برای شناخت معانی و اهداف آنها از رفتار برای حل پیامد های تخریب منابع طبیعی	محتوای علم برای رفع موانع پایداری طبیعت تابع شرایط اجتماعی است - گفتگو و مناظره	- هیچ پاسخ قطعی برای رفع موانع پایداری در طبیعت وجود ندارد - تفسیر/تاویل و مناظره - مبنی بر روش استقرایی (از جزء به کل)	- تنوع در روش شناسی بدلیل تنوع در شناخت شناسی - چندگرایی انتقادی - توجه به همه روش ها و ابزار ها اعم از حس، تجربه، شهود، عقل و وحی در امر آموزش صیانت از منابع طبیعی (تلفیق منابع شناخت علمی، دینی و فلسفی) - بهره گیری از اسباب ذهنی (نظیر گفتگو و تفسیر) همراه با استدلال عقلی، مکاشفه، مباحثه، تفسیر و هرمنوتیک - بهره گیری از روش های ترغیبی/اقناعی/اجمالی مبتنی بر مشارکت و تشریح مساعی گروه های ذینفع - توجه به گفتمان بجای نسخه پیچی - تغییر رویکرد از مشاهده گری بسوی پرسشگری - رویکرد فرارشته ای و کل نگر - توجه به تحلیل و مقایسه دستاوردها بجای تکیه صرف بر محاسبه نتایج و ارزشیابی آنها با معیارهای سوگیرانه و یک جانبه
ارزش شناسی	<p>- جایی برای ارزش ها، آمال، انتظارات و احساسات در فرآیند پژوهش های مرتبط با صیانت از منابع طبیعی وجود ندارد - حذف ارزش ها از حقیقت و علم - ممعانت از سوگیری های ارزشی در طول پژوهش - علوم از نظر ارزشی بی طرف هستند و ارزش ها جز در انتخاب موضوع دخالتی ندارند</p>	<p>- جایی برای ارزش ها، آمال، انتظارات و احساسات در فرآیند تحقیق وجود ندارد - محدود و نادیده گرفتن تاثیر ارزشها - دانستن بطور ذاتی ارزشمند و فی نفسه یک هدف تلقی می شود. - ممعانت از سوگیری های ارزشی در طول پژوهش</p>	<p>- تاثیر سوگیری های ارزشی بر فرآیند و نتیجه پژوهش</p>	<p>- ارزش ها و تجربه پژوهشگر نمی تواند جدا از فرآیند پژوهش باشد. - نقش ارزش ها در شکل گیری نتایج تحقیق و ساختن های ذهنی از واقعیت - در نظر گرفتن ارزشها و اخلاقیات برای پژوهش - دانستن یک ارزش ذاتی که به وسیله آن پیشرفت و آزادسازی اجتماعی صورت می گیرد. - تمام علوم باید از یک وضعیت ارزشی شروع شوند. بعضی از این وضعیت ها درست هستند و بعضی غلط</p>	<p>- وحدانیت و اتفاق نظر خواسته ها و انتظارات همه انسانها - ارجحیت صیانت از منابع طبیعی تجدید شونده طبق دستور ذات اقدس الهی - توجه به ارزش ذاتی منابع طبیعی موجب رضایت و خشنودی خالق آن می شود. - توجه به ارزش های علمی، دینی و فرهنگی - تاکید بر ارزش های خدایی - احترام به منابع طبیعی به دلیل ارزش ذاتی این منابع - توجه به تقرب الهی - مالکیت انسان بر آنچه که دارد، صرفا عطیه ای الهی است و باید در راه وی و به گونه ای که او فرمان داده صرف شود. - انسان ها در صلح و آرامش با یکدیگر و با منابع طبیعی هستند. - انسان مساوی با طبیعت نیست؛ بلکه چیزی بیش از طبیعت مادی است و ارجمند تر از آن می باشد. - پیروی از دستورات شرع مقدس برای اداره و رفتار با یکدیگر و با طبیعت</p>	

نتیجه گیری و پیشنهادها

در پایان می توان به این نتیجه دست یافت که تخریب منابع طبیعی و بهره برداری بی رویه از آنها می تواند به دلیل نارسایی پارادایم های اثبات گرا، پسا اثبات گرا، ساخت گرا و انتقادگرا برای حل آن باشد. نگاه عمیق به ماهیت این پارادایم ها نشان می دهد که هریک به نوعی منابع طبیعی را یک واقعیت بیرونی، غیر انسانی و مقهور انسان می دانند که باید فقط مورد بهره برداری قرار گیرد و در جهت صیانت از این نعمت الهی توجه کمی دارند. در صورتیکه حل مسائل و مشکلات تخریب منابع طبیعی و پیامد های آن، همراهی و همگامی علم با معرفت را می طلبد. بنابراین برای شناخت مسایل مربوط به منابع طبیعی و صیانت از این منابع به هر دو چراغ یا نور یعنی علم و معرفت و یک دستگاه نقد متعادل و سه زمانه (توجه همزمان گذشته، حال و آینده) نیازمندیم. در آموزش حول محور صیانت از منابع طبیعی با توجه به موضوع پایداری، اشاعه فرهنگ منابع طبیعی در بین آحاد مختلف جامعه و اهمیت آن در دین، قرآن (حدود ۱۰۰۰ آیه در زمینه طبیعت)، احادیث و روایات پیرامون آنها بایستی پارادایم مورد توجه پارادایم توحید محور باشد. پارادایم توحید محور با توجه به ویژگی هایش می تواند فرصت مناسبی را برای آموزشگران و دست اندرکاران منابع طبیعی در جهت دستیابی به مدیریت پایدار منابع طبیعی و بهره برداری بهینه از این منابع با در نظر گرفتن آموزه های دینی فراهم سازد (شاه ولی، ۱۳۹۲).

با توجه مباحث و موضوعات مورد بحث در این مقاله پیشنهادها به شرح زیر ارائه می گردد:

- اهمیت منابع طبیعی در ابعاد مختلف زندگی انسانها نظیر گسترش صنایع مرتبط، حفظ منابع آب و خاک، تولید اکسیژن، تلطیف هوا، تقویت و تعادل روانی و سلامت جسمی، خلق چشم اندازهای زیبا و... بر کسی پوشیده نیست. از این رو صیانت از آنها از وظایف اسلامی و اجتماعی مسلمانان محسوب شده و باید بدانیم که تبیین مبانی اسلامی آن برای مردم و مسئولان مربوط نقش اساسی را در انجام این وظیفه بر عهده خواهد داشت. لذا لازم است مسئولان جامعه، اندیشمندان، آموزشگران و دست اندرکاران مسائل منابع طبیعی از تأثیر شگرفی که اقدامات فرهنگی و دینی در حفاظت از منابع طبیعی دارند غفلت نکنند و سهم روشنگری دینی را در این عرصه دست کم نگیرند (سرور، ۱۳۹۳).

- احکام علمی منابع طبیعی در اسلام، دارای دو بعد فردی و حکومتی است که در بعد اول هر فرد از جامعه اسلامی، در برابر منابع طبیعی مسئول است؛ که شعاع آن چون جنبه فردی دارد، محدود به توانایی فرد است. در بعد دوم، صیانت از این منابع، جنبه اجتماعی دارد و شعاع آن وسیع است و بر اساس آن آحاد مختلف مردم به صورت شرعی به انجام وظیفه خویش در قبال منابع طبیعی مکلف هستند. بحران های زیست محیطی (بحران آب، تخریب سرزمین و بیابانزایی، تغییر اقلیم، خشکسالی، هجوم ریزگردها و...) که ما امروزه با آنها روبرو می شویم هر دو بعد را در بر می گیرد. با توجه به موارد فوق، خودسازی و خودشناسی، برنامه ریزی منسجم در جهت احیای فرهنگ اصیل اسلامی و توسعه احکام و تعالیم دینی در مورد نقش و اهمیت واقعی طبیعت، تفهیم مالکیت حقیقی خداوند بر همه اموال و منابع ملی، مذمت اسراف و تبذیر و ایجاد روحیه صرفه جویی، به خصوص در مورد منابع طبیعی تجدید شونده، راهکاری است که می تواند جامعه ما را به سمت صیانت و بهره برداری مطلوب از منابع طبیعی هدایت نماید.

- یکی از بهترین و پایدارترین و وسیعترین و درعین حال ارزانترین راه های صیانت از منابع طبیعی و اصلاح و احیاء آن ها، آموزش به مردم و فرهنگ سازی برای ارتباط منطقی تر و استفاده بهینه از این منابع خدادادی می باشد تا به فرموده رهبر معظم انقلاب، فرهنگ منابع طبیعی به معارف عمومی تبدیل شود. از آنجایی که ما در یک جامعه اسلامی زندگی می کنیم و آموزه های دینی و اسلامی از جایگاه والا و ارزشمندی در بین مردم برخوردار بوده و ضمانت اجرایی بیشتری نسبت به سایر مقررات و ضوابط اداری و اجرایی کشور دارند، می بایستی در راستای این فرهنگ سازی و ایجاد باورهای درست و در نهایت "انتخابی درست"، در صیانت و بهره برداری بهینه از منابع مختلف کشور، از این آموزه ها استفاده نماییم.

- از آنجایی که منابع طبیعی، متعلق به همه نسل هاست وظیفه ما نسبت به چگونگی بهره برداری و صیانت از آن سنگین تر خواهد بود. در بهره برداری از آن باید قناعت پیشه کرد و حتی برخی از نیازها را از سایر طرق مشروع مرتفع نمود و یا آنکه برای صیانت و تحویل شایسته این امانت به نسل های بعد، از برخی نیازهای آبی و زودگذر چشم پوشی کنیم.

- وظیفه همه ماست که به جوامع بشری اطلاع رسانی کنیم منابع طبیعی انفال الهی و امانت بزرگ خداوند در نزد ملت هاست و بر ماست که امانتدار واقعی باشیم و این امانت را به درستی و سلامت به نسل های آینده تقدیم داریم. ضمن آنکه نقش ائمه معصومین(ع) و کلام آنها را در میان مردم نباید فراموش کرد. می توان برای تفهیم کامل تر و رساتر مطلب از فرمایشات این بزرگواران مدد جست.

- به یقین بهره برداری بی رویه از منابع طبیعی از مصادیق اسراف است(خاک،۱۳۸۸ص۱۵) و در آیه ۱۴۱ سوره انعام خداوند با استفاده از جمله "و لا تسرفوا انه لایحب المسرفین، به آدمیان هشدار می دهد که زیاده روی در مصرف این نعمت های الهی از گناهان است و خداوند اسراف کنندگان را دوست ندارد. لذا باید به عموم جامعه آگاهی داد که بهره برداری بی رویه از هر یک از نعمت های الهی قطعا از مصادیق اسراف می باشد و نیز این فرهنگ را در جامعه اشاعه داد که منابع طبیعی از نعمت های سترگ الهی و مورد نیاز همه بشریت جهان هستی است و از ابتدای خلقت تا انتهای خلقت از نیاز های ضروری نسل ها بوده و می باشد و اگر نسلی از نسل های جامعه بشری در بهره برداری از منابع طبیعی اسراف نماید زمینه های تخریب و عدم بازپروری طبیعی طبیعت حاصل شده و این منابع الهی و روند باز سازی آن آسیب می بینند(خاک،۱۳۸۸صص۱۶-۱۵).

فهرست منابع:

- + ابراهیمی، م. (۱۳۸۸). منابع طبیعی در قرآن و روایات. نشریه خبری، تحلیلی و پژوهشی سبزینه، سال چهارم، شماره ۳۵، مهرماه ۱۳۸۸.
- + ابدی، ب. (۱۳۹۲). شبیه سازی رفتار مصرف انرژی گلخانه داران استان همدان با تاکید بر پارادایم متعالی. رساله دکتری ترویج و آموزش کشاورزی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز.
- + اسراری، آ. و آرام، م. (۱۳۸۷). نگاهی به محیط زیست از دیدگاه قرآن کریم. مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق(ع). در جلد سوم مجموعه مقالات بخش مقاله نویسی بیست و پنجمین دوره مسابقات بین المللی قرآن کریم
- + ایمان، م. (۱۳۸۵). کارگاه پارادایم های علوم انسانی. بخش علوم اجتماعی دانشگاه شیراز.
- + حسینی، س. (۱۳۸۵). سیره رسول خدا(ص) درباره طبیعت، کشاورزی و محیط زیست، در: مجله فرهنگ جهاد، بهار و تابستان ۱۳۸۵، شماره ۴۳ و ۴۴.
- + حسینی، س. (۱۳۸۰). جزوه جامعه شناسی توسعه روستایی گروه ترویج و آموزش دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران.
- + حوزه نمایندگی ولی فقیه سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری کشور، (۱۳۹۳). منابع طبیعی و آموزه های دینی، تهران: انتشارات حوزه نمایندگی ولی فقیه سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری کشور.
- + جوادی آملی، ع. (۱۳۸۶). اسلام و محیط زیست. انتشارات مرکز نشر اسرا.
- + خاک، ع. (۱۳۸۸). اسراف و بهره برداری بی رویه از منابع طبیعی. نشریه خبری، تحلیلی و پژوهشی سبزینه، سال چهارم، شماره ۳۵، مهرماه ۱۳۸۸.
- + دفتر طرح و برنامه سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری کشور. (۱۳۹۰) کتابچه منابع طبیعی، تهران: انتشارات دفتر طرح و برنامه سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری کشور.
- + سرور، ر. (۱۳۹۳). جایگاه رفیع مواهب طبیعی با تأکید بر درخت و جنگل در احادیث و روایات امام علی علیه السلام. قابل دسترس در <http://library.tebyan.net> تاریخ دسترسی ۱۳۹۳/۱۰/۲۰.
- + شاه ولی، م. (۱۳۹۳). جزوه درسی بینش های فلسفی در آموزش مقطع دکتری آموزش کشاورزی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز: بخش ترویج و آموزش کشاورزی. منتشر نشده.
- + شاه ولی، م. (۱۳۹۲). جزوه درس روش تحقیق پیشرفته. دوره ششم دکتری آموزش کشاورزی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز، منتشر نشده.
- + شاه ولی، م. (۱۳۷۵). آیا کشاورزی پایدار ریشه در توصیه های فنی و /یا مذهب و فلسفه دارد؟ در: مجموعه مقالات اولین سمینار اقتصاد کشاورزی ایران، جلد دوم، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

- شاه ولی، م. و امیری اردکانی، م. (۱۳۹۲). روش شناسی پژوهش در دانش بومی کشاورزی. تهران: انتشارات سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی.
- شاه ولی، م. و شاه مراد، ل. (۱۳۹۰). تبیین رویکرد متعالیه برای آموزش زیست محیطی ایران ۱۴۰۴. در همایش ملی آموزش در ایران ۱۴۰۴. تهران، ۷ تا ۸ آذر ماه، در لوح فشرده مقالات، کد مقاله ۳۱۱.
- شاه ولی، م. عربی، ق. و بیژنی، م. (۱۳۸۲). یادگیری دانش سه گانه. اصفهان، انتشارات نصح.
- شاه ولی، م. و ملکیان، ع. (۱۳۹۳). طراحی الگوی ارتباطی و اطلاع رسانی به منظور توانمندسازی زنان عضو صندوق اعتبارات خرد روستای لپویی استان فارس با پارادایم توحید محور، در: فصلنامه روستا و توسعه، زمستان ۱۳۹۳، زیر چاپ.
- عابدی سروستانی، شاه ولی، م. و محقق داماد، م. (۱۳۸۶). ماهیت و دیدگاه های اخلاق زیست محیطی با تاکید بر دیدگاه اسلامی. فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال ۲، شماره ۱ و ۲.
- ملکان راد، ا. (۱۳۷۹). منابع طبیعی و خانواده. تهران: انتشارات دفتر ترویج و مشارکتهای مردمی سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری کشور.
- ملک محمدی، ا. (۱۳۸۶). جزوه درسی بینش های فلسفی در ترویج. دانشگاه تهران: گروه ترویج و آموزش کشاورزی.

